

جد سادات لرستان

سید حمید جهان بخت

پس از مدت نسبتاً درستی که در علمیه گذرانید، در سال ۱۳۰۵ هجری قمری به واسطه آشنایی با سید حمید جهان بخت، در تبریز به خدمت وی رسیدید. سید حمید جهان بخت در آن زمان در تبریز به تدریس در مدرسه علمیه مشغول بود و در آنجا به شما در زمینه تاریخ و جغرافیا و سایر علوم اسلامی و غیره تدریس می‌نمود. سید حمید جهان بخت در آن زمان در تبریز به تدریس در مدرسه علمیه مشغول بود و در آنجا به شما در زمینه تاریخ و جغرافیا و سایر علوم اسلامی و غیره تدریس می‌نمود. سید حمید جهان بخت در آن زمان در تبریز به تدریس در مدرسه علمیه مشغول بود و در آنجا به شما در زمینه تاریخ و جغرافیا و سایر علوم اسلامی و غیره تدریس می‌نمود.

کتابت و نگارش امانتی ظریف است. مخصوصاً اگر موضوع مربوط به تاریخ احوال بزرگان باشد. اگر حافظه‌ای از آرایش دنیوی سرشار باشد دآوری رأی را به نقص می‌کشاند. پس باید همه استوانه‌ها قائم، همه جوانب مرئی و همه اسباب مهیا گردد تا حاصلی مطلوب به دست آید.

نه بر سبیل ذوق و قریحه بلکه از روی الزام با الهام از سیاهه دل اوراق را سیاه کرده تا از سپیدی تأثیرش آسمان فرهنگ یک دیار پاک درخشنده‌تر شود.

هدف این است که چند پدیده مبهم در صفحه یا صفحاتی معدود در برابر شعاع دانایی قرار داده شود و ابعادی از وقایع مهمه در یک استان کم‌جهش لکن بزرگمنش منعکس شود. متأثر شدن شاه طهماسب از کرامات اجله سادات لرستان، وضعیت عصر سید علی، نام زرین طایی مون یا طائین مون، آهو و آهو قلندری بودن سادات لرستان، سقوط پدیده کفر در لرستان و سرانجام زیدی که در واقع با برکت خود فروغ معنا را در لرستان افزونی می‌دهد، جمله دامن‌های این معرفت و آگاهی هستند.

تردیدی نیست که لرستان معبر و موقف ائمه و اولاد آنها علیهم‌السلام بوده که به دلیل طینت پاک، سرشت زلال و دل رحیم ساکنانش همواره منزل امن چنین عزیزانی بوده است.

نیای بزرگ سادات لرستان موسوم است به سید علی بن سید محمد بن سید عبدالله بن موسی علیهم‌السلام وی را پنج فرزند بوده که سادات لرستان از نسل حیدر و محمد اویند سید علی طی زندگی خود از شهرهای مختلف مناطق مرکزی و غربی ایران دیدن کرده و در هر شهر و دیاری از هدایت عامه مردم به اسلام و آیین توحیدی لحظه‌ای فروگذار نبوده است. از شهرهای تبریز، خرم‌آباد، بروجرد و دیگر شهرهای اسلامی دیدن کرده و به هدایت مردم پرداخته است دو نقطه

اسکائی موسوم به عرض و کنگران به علت ابتلا به لامذهبی و انحراف دعوت سید علی را رد می‌کنند و از آنجا که اصرار و هدایت او در دل‌های سیاه سکنه آن دیار بی اثر می‌ماند به نفرینش تنبیه شده و از سر صدق به صراط مستقیم روی آور می‌گردند. سید علی و سید احمد بنا به سفارش سید فداله جهت امحای بدعتهای دینی در بختیاری و نشان دادن کرامات خود عازم تبریز می‌شوند تا با شاه طهماسب رویا رو شوند. شاه طهماسب از ریشه محکم شجره پاک و کرامات سادات بزرگوار سید علی و سید احمد - ابتدا غافل، جاهل بوده و از اینکه آن گوهرها منتسب به معدن رسالت هستند و از اجرای امامت سرباز می‌زند و منکر می‌شود. اما با دیدن کرامت آنها احوال شاه طهماسب تغییر می‌کند. به نحوی که بیدار شده و از کرده خود نادم گردیده و در تاریخ حیات سیاسی مذهبی خود خجالت زده می‌شود. شاه طهماسب که این کرامات می‌بیند دو اقدام مهم تاریخی را به عمل می‌آورد: نخست اینکه با صدور خطی به سادات بزرگوار لرستان و بختیاری اختیارات تامه‌ای می‌دهد. ثانی اینکه تخت شاهی را رها کرده و مدتها ملتزم رکاب آن سادات شریف می‌شود. متعاقب این تحولات است که بدعتهای شاهی و قبایلی در آن مناطق کوتاه می‌گردد. شاه طهماسب و درویش حسن تبریزی در التزام رکاب سیدین لرستان و بختیاری راهی آن مناطق شده و در هر زاویه‌ای درسی و کرداری در حُسن از سید پدیدار می‌شود، در بین راه سید علی جهت سر رشته دادن به کار والدین و عیال خود از شاه طهماسب و همراهان جدا شده و به اقامتگاه اصلی خود می‌رود. سید علی روضه پدر خود را زیارت کرده و سرانجام به محضر سید فداله می‌رسد. پس از چندی توقف در بختیاری به سمت بروجرد عزیمت و سپس عازم خرم‌آباد می‌گردد. در خرم‌آباد سید علی به محضر امام زاده زیدبن علی (ع) توفیق می‌یابد و چندین سال مقیم می‌شود از موانست امامزاده زیدبن علی (ع) بهره‌وافی می‌برد. سید علی سپس از خرم‌آباد جهت زیارت بیت الله و مدینه منوره و عتبات عالیات عازم می‌گردد. به زیارت کامله نصرت می‌یابد در بازگشت به جبل کوه (بالاگریوه) می‌رسد و در بابا خیل اطروش مقام می‌گیرد. رؤسا همه قبایل از بزرگ و کوچک به محضرش شرفیاب می‌شوند.

سید علی در طی عمر شریفش چندین بار به بختیاری سفر کرده و در این مسافرتها به دیدار بنی اعمام خود همت گمارده است. اولاً مقاماتی چند نسبت به ائمه طاهرین سلام‌الله علیهم اجمعین توجه داشته و روضه راه انداخته است. عزت و احترام او در لرستان تا حدی است که مردم دختران خود را بدون صلاح وی به شوی نمی‌دادند.

و اما ماجرای آهو و آهو قلندری، روزی اهالی وفادار و علاقه‌مند و مرید در طائین مون قصد دیدار سید علی می‌کنند اثری از سید بزرگوار نمی‌یابند. پس از مدتی تجسس سید را در غاری یافته که سجاده انداخته و در تضرع است و چند رأس آهو هم موازی او در آن حرم امن قرار دارند. از سید می‌پرسند: یا سید در این چند روز که حضور نداشتی خوردن جناب شما از کدام ماکول بوده است. سید می‌فرماید: شیر همین آهوئی که ملاحظه می‌کنید شیر این آهوان را دوشیده و طعام کرده‌ام این وقایع بر حرمت او و اولادش مزید کرده تا جایی که مردم منطقه حتی متعهد شده اولاد سید علی را نیز مثل سید علی محترم داشته و از امکانات و تسهیلات شایسته و بایسته برخوردار نمایند یعنی

لرستان پژوهی، سال ۱، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۷

امام موسی کاظم (ع)



نوادار نسب سادات خرم آباد و حومه به نقل از مرحوم آبا شد محمد سیدزاده ناسی

خیلی‌ها به دلیل اکرام وافر به سید مورد تأکید و تأیید آن بزرگوار قرار می‌گیرند. چندین سال قبل مجمعی تحت عنوان مجمع سادات در خرم‌آباد تشکیل شد تا هم در جهت وحدت سادات بکوشند و هم راجع به و موقوفات سید علی واقع در طاق سید علی در دره سید اتخاذ تصمیم نمایند. و همچنین در عمران بقعه شریف سعی و اهتمام ورزند که پس از چندی این جمع فرو پاشید. البته پی از آنها نیز کسانی در تلاش برای احیای این بقعه و تقویت سادات بوده‌اند اما موفق نشده‌اند مثلاً در دوران رضاخان تعدادی از رجال سادات را گلچین کرده و تبعید نمودند. البته هنوز هم تعداد قابل ملاحظه‌ای از سادات تبعیدی را در شهرهایی چون ورامین و گرمسار داریم. اخیراً شنیدم که جهت احیای مرقد پاک آن سید شریف النسب و جلیل القدر تلاشی صورت گرفته است که امیدوارم به نتیجه برسند چرا که هر کس بتواند گنبد سید علی را به سلسله مرآقد مربوط به بنی اعمامش متصل گرداند سهمی را از توشه آخرت مالک شده است و چنین اقدامی هم صواب است و هم

● ثواب.